

عوامل مؤثر بر ناامنی و فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور

تاریخ پذیرش: 1395/02/13

تاریخ دریافت: 1394/10/17

عطاءالله عبدی،¹ حمید مستجابی،² فاطمه عمرانی‌نژاد³

از صفحه 141 تا 160

چکیده

زمینه و هدف: جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شرقی خود در استان سیستان و بلوچستان همواره با چالش‌ها و مشکل‌های متعدد و متداوم روبه‌رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های این محیط امنیتی بازتولید شده است. در حال حاضر تروریسم و گروهک‌های تروریستی به‌عنوان یک چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود و با توجه به اقدام‌های تروریستی که از چندین سال گذشته تاکنون در شرق کشور به‌خصوص استان سیستان و بلوچستان رخ داده، باعث به‌وجود آوردن مشکلات و خدشه‌دار کردن امنیت در این منطقه شده است. هدف اصلی این تحقیق شناخت عوامل مؤثر بر ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی مرزهای شرقی است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع کاربردی بوده و روش انجام آن نیز توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها تلفیقی از مطالعات اسنادی و مطالعات پیمایشی است. ابزار اصلی مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات از طریق روش میدانی، پرسش‌نامه است و برای بررسی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که برای پژوهش حاضر برابر با 0/87 به‌دست آمد. جامعه آماری این مطالعه 178 نفر است که متشکل از فرمانده‌های یگان‌های انتظامی، مرزبانان ناجا و اعضای هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان است و با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه برابر با 85 نفر تعیین شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی مرزهای شرقی، عوامل اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی هستند که با استفاده از آزمون فریدمن در بین این عوامل، عامل جغرافیایی دارای مهم‌ترین تأثیر است.

واژه‌های کلیدی: تروریسم، امنیتی، انتظامی، استان سیستان و بلوچستان، توسعه نامتوازن.

1- استادیار دانشگاه خوارزمی

2- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، نویسنده مسئول، hmostajabi1982@gmail.com

3- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

واژه تروریسم از کلمه ترور گرفته شده و به معنای ترس و وحشت شدید است (طیب، 1382: 19). اعمال تروریستی مختلف با هدف ایجاد رعب و وحشت در گروهی از مردم و با انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی علیه منافع دولت و ملت معینی انجام می‌شود (بزرگمهر¹، 2008: 20). در اصطلاح، تروریسم عبارت است از اشاعه و گسترش فلسفهٔ سیاسی مخالف در یک دموکراسی و نوع خاصی از درگیری ایدئولوژیک بر سر تصاحب اقتدار و حاکمیت (رایش²، 1381: 123).

تروریسم پدیده جدیدی نیست، تاریخ مملو از اقدام‌های تروریستی است که حیات بی‌گناهان زیادی را سلب یا تهدید کرده است (غالی، 1382: 237). با ورود به عصر پست‌مدرنیسم و عینیت یافتن مفاهیمی چون جهانی شدن، اقدام‌های تروریستی در مرزهای ملی محصور نمانده است، بلکه گسترش مسافرت‌های هوایی، انقلاب ارتباطات و جهان بدون مرزی که در آن زندگی می‌کنیم شرایطی را پدید آورده که می‌تواند مورد سوءاستفاده تروریست‌ها قرار بگیرد. امروزه تروریست‌ها با جلب مساعدت هم‌پیمانان فرامرزی خود و با تکیه بر ارتباطات و شبکه‌های مالی بین‌المللی می‌توانند تقریباً در هر کجا که بخواهند اقدام‌های تروریستی خویش را سازمان‌دهی کنند و به اجرا گذارند. شاهد این مدعا حوادث تروریستی 11 سپتامبر 2001 است که در کشوری رخ داد که در واقع دارای یکی از پیچیده‌ترین و قوی‌ترین سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی در جهان است. رویداد فوق، گواه این مطلب است که تروریست‌ها هرگاه بخواهند می‌توانند امنیت کشورها و در نهایت امنیت جهانی را به خطر اندازند، این امر موجب کاهش وزن ژئوپلیتیک کشورها و ایجاد بحران ژئوپلیتیک در سطح جهان می‌شود (افضلی و همکاران، 1390: 106).

بر این اساس می‌توان گفت که امروزه خطر تروریسم و گروهک‌های تروریستی در اشکال مختلف، تمام کشورها و نظام‌های سیاسی جهان را در معرض خطر قرار داده و هیچ سرزمینی از خطر و تهدید تروریست‌ها در امان نمی‌باشد. پدیده تروریسم و تروریست که قطعاً زایندهٔ کینه‌توزی و خوی استکباری قدرت‌های شیطنی جهان و دولت‌های زیاده‌خواه و سیطره‌جو است. به‌عنوان ابزاری علیه حکومت‌های مردمی و نهضت‌های آزادی و عدالت

1 - Bozorgmehri

2 - rash

خواه به‌کار می‌رود و در جهان کنونی یک ابزار سیاسی به منظور تضعیف جوامع هدف و تحمیل اراده بر حکومت‌ها و جریان‌ها محسوب می‌شود و جمهوری اسلامی ایران به‌لحاظ اینکه مهد انقلاب اسلامی و کانون استکبارستیزی، آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی است، از بدو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مورد خشم و خصومت قدرت‌های حامی گروهک‌های تروریستی و تروریسم قرار گرفته و در حال حاضر نیز با گذشت حدود 35 سال از زمان پیروزی انقلاب، ترور با اشکال متفاوت دیگر بروز و ظهور پیدا کرده است و باعث کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از مسئولان و مردم بیگناه شده است، به گونه‌ای که شهدای ترور کشورمان بیش از 17 هزار نفر است.

تأثیر مرزها و استان‌های مرزی به‌خصوص استان سیستان و بلوچستان را در تقویت یا کنترل تروریسم نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که مرزها با توجه به وضعیت توپوگرافی و نیز میزان کنترل دولت‌ها می‌تواند محل مناسبی برای فعالیت‌های تروریستی باشد و ارتباط و نفوذی که آمریکا و غرب با کشورهای همسایه شرقی ایران دارد. در این میان تأثیرگذار است. عدم ثبات سیاسی در کشورهای همسایه ایران و درگیری‌های داخلی آنها به نوعی، بر امنیت کامل سیاسی و اقتصادی ایران در مرزها تأثیر گذاشته و فقدان کنترل مرز از سوی کشورهای پاکستان و افغانستان به نحو مطلوب و وجود جمعیت‌های متحرک در برخی از مناطق مرزی به همراه کمبود زیرساخت‌های توسعه و ضعف بنیان‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... این مناطق، با مناطق مرکزی و هم‌چنین قومیت‌های متنوع در مناطق مرزی و وجود ساختارهای سیاسی و نظامی وابسته به قدرت‌های بزرگ خارجی در کشورهای مجاور موجب تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی در ایجاد امنیت و به خطر انداختن آن شده است؛ بنابراین پژوهش حاضر، در نظر دارد به سؤال زیر پاسخ دهد: مهم‌ترین عوامل تروریستی و ناامنی در جنوب شرق کشور کدامند؟

بیان مسئله

در عصر ما تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی بین‌المللی و جهانی تبدیل شده است و حتی این نگرانی وجود دارد که با گسترش آن، صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره بیفتد. در عصر جهانی شدن و پیشرفت فناوری، دیگر تروریسم در مرزهای ملی و منطقه‌ای محصور نمی‌ماند. تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن، پیشرفت کرده‌اند؛ اما هرگز در

قید و بندهای بین‌المللی ناشی از آن، گرفتار نشده‌اند (نایب‌پور، 1391: 25-31). از این رو هیچ منطقه، دولت یا ملتی از اقدام‌های آنها در امان نمی‌ماند. گروه‌های تروریستی با انگیزه‌های گوناگون دست به عملیات تروریستی می‌زنند و نگرانی از احتمال وقوع این‌گونه عملیات زمانی بیشتر می‌شود که آنان از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک استفاده کنند. وضعیت مرز و مرزبانی در اوضاع سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور تأثیر مستقیم دارد. هر قدر از مرزهای کشور به دقت حراست و نگهبانی شود برنامه‌های دولت نیز با موفقیت اجرا شده و مردم در امنیت کامل زندگی کرده و هیچ امری امنیت آنان را تهدید نمی‌کند. لیکن اگر مرزها و معابر ورودی و خروجی کشور دقیقاً کنترل نشود، علاوه بر اینکه اجرای برنامه‌های دولت با مشکل روبه‌رو شده و کشور نیز از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دچار بحران شده و قاچاق کالا، انسان، مواد مخدر و گروهک‌های تروریستی به کشور سرازیر شده و امنیت کشور را تهدید می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شرقی خود در استان سیستان و بلوچستان همواره با چالش‌ها و مشکلات متعدد و متداوم روبه‌رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های این محیط امنیتی بازتولید شده است. در گذشته چالش‌های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می‌شد به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حمله‌ها و جنگ‌های طولانی مدت نظامی را دربر می‌گرفت. اکنون نیز این مسئله در قالب‌ها و مؤلفه‌های مختلفی تجلی یافته است. در حال حاضر تروریسم و گروهک‌های تروریستی به‌عنوان یک چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود و با توجه به اقدام‌های تروریستی که از چندین سال گذشته تاکنون در شرق کشور به‌خصوص استان سیستان و بلوچستان رخ داده و باعث به‌وجود آوردن مشکلات و خدشه‌دار کردن امنیت در این منطقه شده است و با توجه به اقدام‌های تروریستی و ضد امنیتی که توسط گروهک‌های تروریستی که از چندین سال گذشته تاکنون در شرق کشور و استان سیستان و بلوچستان رخ داده و باعث وارد آمدن صدمه‌ها و لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر مردم استان و نیروهای امنیتی و انتظامی استان شده است، این اهمیت و ضرورت را ایجاب کرد تا تحقیقی درباره کشف عوامل مؤثر بر ناامنی و فعالیت‌های تروریستی در جنوب شرق را انجام دهیم.

مبانی نظری

جستجوی امنیت از مهم‌ترین کنش‌ها و انگیزه‌های انسانی و حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین میل‌های انسان است. بر این اساس مهم‌ترین نیاز هر جامعه، خواه یک قبیله یا یک قوم یا یک کشور، تأمین امنیت آن جامعه و افراد آن است (روشندل، 1385: 3).

145

امنیت مفهومی چند وجهی است و به همین خاطر، درباره معنای آن اختلاف نظر وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارند (ماندل، 1377: 49).

از ویژگی‌های مفهوم امنیت در کل، سه ویژگی زیر به ابهام و پیچیدگی مفهوم امنیت افزوده است.

الف) نسبی بودن امنیت: چون امنیت یک مفهوم ذاتاً نسبی است یک تعریف مطلق از آن وجود ندارد (فریدمن، 1378: 320). به بیان دیگر در جهان امروز، دستیابی به امنیت مطلق غیرممکن است؛ زیرا قدرت که مبنای تحصیل امنیت است، متغیر، متفاوت و نسبی است و به تبع آن امنیت حاصل برای دولت‌ها نیز نسبی می‌شود.

ب) تجزیه ناپذیر بودن مفهوم امنیت: عدم امنیت کشورها در یک حالت تنازعی بر امنیت مناطق و حتی امنیت بین‌المللی تأثیرگذار خواهد بود. در حقیقت امنیت در مقابله کردن با حاکمیت و استقلال یک کشور رابطه مستقیم دارد؛ یعنی اگر در شهر یا استانی از یک کشور جنگ داخلی یا ناامنی پدید آید، نمی‌توان ادعا کرد که چون در دیگر شهرها امنیت به هم نخورده، آن کشور دارای امنیت کامل است (کاظمی، 1370: 111-116).

ج) ذهنی بودن امنیت: اصولاً احساس امنیت یا عدم امنیت یک برداشت و امر ذهنی است که ریشه در اعتقادات و باورهای مذهبی، اخلاقی و فرهنگی مردم و رهبران یک کشور دارد. برآیند این باورها و اعتقادات باعث می‌شود که یک ملت یا رهبران کشوری را دشمن و کشوری دیگر را دوست تلقی کنند (عامری، 1370: 179).

یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت، امنیت ملی است. امنیت ملی به‌عنوان دل‌مشغولی غالب کشورها، مستلزم رعایت تمامیت ارضی، ثبات نظام سیاسی و دستیابی به دیگر منافع

ملی، بین‌المللی و پاسداری و حمایت از زندگی شهروندان از هرگونه تهدید، کنش یا موقعیتی است که احتمال دارد به سبک زندگی و ارزش‌های اجتماعی یا ملی آنها آسیب وارد کند.

امنیت ملی آن قسمت از خط مشی حکومت است که هدفش ایجاد شرایط سیاسی ملی و بین‌المللی مناسب برای حفاظت یا گسترش ارزش‌های ملی بنیادین و اساسی، علیه مناقشه‌های موجود بالقوه است.

امنیت ملی دارای دو بعد داخلی و خارجی است. از بعد داخلی، امنیت یک ملت در مقابل تهدیدهای پیدا و پنهان در درون مرزهای ملی را شامل می‌شود. این تهدیدها می‌تواند سیاسی (شورش، جدایی‌طلبی و...)، اقتصادی (نابسامانی‌ها، فقر، بحران‌های اقتصادی و...)، نظامی (کودتا، جنگ داخلی و...)، اجتماعی (آشوب‌های اجتماعی و...) باشد که هر کدام به نوعی دولت ملی را تحت فشار و مورد تهدید قرار می‌دهد. جنبه خارجی امنیت ملی به تهدیدهای برون مرزی علیه یک دولت مربوط می‌شود. این تهدیدها نیز دارای ابعاد سیاسی (انزوا و فشارهای سیاسی)، نظامی (حمله نظامی یا تقویت توان نظامی طرف مقابل) و اقتصادی (تحریم اقتصادی) است. از سوی دیگر، برخی محققین از جنبه دیگری، ابعاد امنیت ملی را به دو بخش عینی و ذهنی دسته‌بندی می‌کنند. شرایط عینی، عبارتند از عوامل فیزیکی و وضعیتی که کمترین بایستگی‌ها را برای امنیت ملی کشور معین می‌کند و برداشت‌های ذهنی پدیده‌ای روانی است که ممکن است حتی با وجود شرایط عینی وجود نداشته باشد (زارعی و دولاح، 1386: 17).

تروریسم

در اصطلاح تروریسم عبارت است از اشاعه و گسترش فلسفه سیاسی مخالف در یک دموکراسی و نوعی خاص از درگیری ایدئولوژیک بر سر تصاحب اقتدار و حاکمیت (رایش، 1381: 123). اعمال تروریستی مختلف با هدف ایجاد رعب و وحشت در گروهی از مردم و با انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی علیه منافع دولت و ملت معینی انجام می‌شود (بزرگمهر¹، 2008: 20).

با توجه به پیچیدگی مفهوم تروریسم و برداشت‌های متفاوت از آن، علی‌رغم تلاش‌های بسیار جامعه بین‌المللی به دلایل ایدئولوژیک یا سیاسی، تاکنون توافقی در مورد تعریف تروریسم حاصل نشده است و این موضوع همواره به عنوان یکی از عمده‌ترین مشکلات موجود در راه مبارزه با تروریسم مطرح بوده است. تروریسم دربرگیرنده سه مؤلفه اصلی است؛ «قربانی، تروریست و مخاطب». در این میان هدف اصلی قربانی است، به‌ویژه هنگامی که هدف حمله تروریستی روشن نباشد، این مسئله نمود بیشتری دارد. هم‌چنین تروریسم دارای عناصر مختلفی به شرح ذیل است:

- تروریسم غالباً، عملی از قبل طراحی شده است، تا اینکه عملی از روی عصبانیت یا انتقام باشد؛
- تروریسم عملی سیاسی است نه جنایی؛ به این معنی که هدف آن ایجاد تغییر در نظم سیاسی مستقر است و نه کسب دستاوردهای مالی؛
- اعمال تروریست عمدتاً توسط نظامیان انجام نمی‌شود و این گروه‌های غیرنظامی هستند که مجریان اصلی این عملیات هستند (سیمبر، 1381: 31).

اهداف تروریسم

اهداف اساسی که تروریست‌ها دنبال می‌کنند عبارت است از:

- تغییر رژیم سیاسی؛
- تغییر قلمرو جغرافیایی حکومت؛
- تغییر سیاست و خط مشی دولت‌ها؛
- کنترل اجتماعی؛
- حفظ وضع موجود (محسنی، 1390: 8).

انواع تروریسم

در حال حاضر به‌طور کلی، چهار گونه تروریسم وجود دارد که هر کدام از آنها نیز می‌توانند با توجه به دیدگاه‌های مختلف، دارای زیر بخش‌های متنوعی باشند:

الف) جنایت‌های فراملی سازمان یافته

نخستین شکل تروریسم را تشکیل می‌دهد. کارتل‌های مواد مخدر ممکن است علیه حکومت‌ها و کسانی که منافع آنها را به خطر می‌اندازد، دست به حمله بزنند. برای نمونه مافیای ایتالیا می‌کوشد تا با دست زدن به عملیات تروریستی مانع موفقیت حکومت ایتالیا در کوتاه کردن دست جنایت‌کاران شود.

ب) تروریسم حمایت شده از سوی دولت‌ها

دومین نوع تروریسم، تروریست حمایت شده از سوی دولت‌ها است. افغانستان، لیبی و عراق برای پیش‌برد اهدافشان، بزرگ‌ترین حامیان تروریسم بین‌المللی به‌شمار می‌آیند. تروریسم دولتی، گونه‌ای از تروریسم است که در آن یک دولت از سازمان‌ها یا افراد وابسته برای دامن زدن به ناامنی در کشورهای دیگر بهره می‌جوید. دولت‌ها هم‌چنین با حمایت لجستیکی، پول، جنگ‌افزار و مهمات، تعلیمات نظامی و اجازه عبور به تروریست‌ها، از این جریان حمایت می‌کنند.

ج) تروریسم ملت‌گرایانه

نوع سوم تروریسم، تروریسم ملت‌گرایانه است. تروریسم بیشتر در مراحل آغازین جنبش‌های استعمارزدایی یا در فعالیتهای گروه‌هایی که درصدد جدایی از دولت‌های خاصی هستند. مانند جنبش باسک در اسپانیا، ملی‌گرایی در هندوستان و تعدادی از جنبش‌های فلسطینی، خودنمایی می‌کند.

د) تروریسم ایدئولوژیک

نوع چهارم، تروریسم ایدئولوژیک است که در آن تروریست‌ها با دست زدن به خشونت می‌کوشند جلوی اعمال یک سیاست داخلی (برای نمونه قوانین مربوط به سقط جنین) را بگیرند یا می‌کوشند حکومت خاصی را سرنگون کنند. از نمونه اخیر می‌توان از ارتش سرخ در آلمان یا اخوان المسلمین در مصر یاد کرد (اوکلاگان، 1388: 589 و 588).

ریشه‌ها و عوامل تروریسم

بن‌مایه‌های اصلی تروریسم عبارت است از:

- تنگدستی و محرومیت: (تنگدستی، کمبود آموزش یا محرومیت و احساس نبود عدالت اجتماعی از دلایل و ریشه‌های تروریسم است.

- ایدئولوژیک و مذهب: اختلاف و تضادهای مذهبی و ایدئولوژیک از عوامل کارساز در گسترش تروریسم است. دین، مذهب و ایدئولوژی عامل بسیار مهمی در برانگیختن احساسات انسان و واداشتن او به کارهای جسورانه و از جان گذشتگی است.

- مسائل قومی و ناسیونالیستی.

- نئورادیکالیسم: رادیکالیسم نو یا چپ نو را که فرآورده دهه 1970 و اعتراض به مصرف‌گرایی در جهان سرمایه‌داری بوده نیز می‌توان از دیگر ریشه‌های تروریسم دانست.

- بی‌قانونی و آشفتگی: نبود تعادل و انسجام و نیز بی‌قانونی در جامعه عامل دیگری برای پیدایش و گسترش تروریسم است. هر اندازه همبستگی و پیوند لایه‌های جامعه بیشتر باشد، به همان نسبت رشد تروریسم در آن کمتر است.

- رسانه‌های گروهی: پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که میان پوشش رسانه‌ای و از همه مهم‌تر تلویزیون و گسترش تروریسم پیوند وجود دارد. رسانه‌ها به سادگی شیوه و الگوی تروریستی را در اختیار دارندگان انگیزه‌های تروریستی می‌گذارند و می‌توانند به روش‌های گوناگون در آنها ایجاد انگیزه کنند (عبداله‌خانی، 1386: 157-155).

جغرافیا و تروریسم

گروه‌های تروریستی در مکان و فضای جغرافیایی در هر مقیاسی اعم از محلی یا جهانی به دلایل خاص خود، راهبردهای خشونت‌آمیز خود را اعمال می‌کنند. در این عرصه گروه‌هایی که قدرت بیشتری داشته باشند، بهتر می‌توانند نیاز خود را تأمین کرده یا در رقابت با گروه‌های دیگر و یا دولت‌ها بقای خود را تضمین و منابع بیشتری را به‌دست آورند. ویژگی‌های جغرافیایی نیز مجموعه عواملی محسوب می‌شوند که برخی مواقع، موافق

خواسته‌های تروریست‌ها اعم از فردی یا گروهی عمل کند؛ به این معنا که می‌تواند تولیدکننده قدرت یا تضمین‌کننده بقای تروریست‌ها برای انجام فعالیت‌های تروریستی باشد یا برخی مواقع عوامل جغرافیایی در جهت عکس خواسته‌های تروریست‌ها عمل می‌کند؛ از این رو شاید بتوان گفت که هرچند بروز ترور ممکن است تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیکی و حتی سیاسی اتفاق افتد؛ اما از سویی پدیده ترور می‌تواند منشأ جغرافیایی نیز داشته باشد و این موضوع ریشه در تلقی افراد، گروه‌ها و دولت‌های متشکل سیاسی - فضایی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی دارد. در واقع رابطه میان مجموعه عوامل جغرافیایی و انجام اعمال خشونت‌آمیز را می‌توان از دو منظر، رابطه تروریسم و مکان جغرافیایی و دیگری شاخص‌های جغرافیایی تأثیرگذار بر تروریسم مورد مطالعه قرار داد (افضلی و همکاران، 1390: 111-112).

جغرافیا علم مکان‌هاست و پراکندگی، افتراق و بازساخت مکانی - فضایی پدیده‌ها را در ارتباط با ساختار اجتماعی - اقتصادی تبیین می‌کند (شکویی، 1382: 18-19). به سخن دیگر، چگونگی شکل‌گیری پدیده‌ها و مسائل جغرافیایی هر ناحیه اعم از اقتصادی، اجتماعی و طبیعی بازتاب و انعکاس‌گر ایدئولوژی، شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر آنها است و بالعکس (بیک‌محمدی، 1383: 24). به این معنا که پدیده‌های سیاسی نیز خود متأثر از عوامل جغرافیایی هستند. در نتیجه رابطه تروریسم با مکان از منظر جغرافیایی را می‌توان از چهار بعد محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد بررسی قرار داد. انتخاب مقیاس برای بررسی دامنه ژئوتروریسم به این دلیل است که مقیاس، یکی از مهم‌ترین ابزارها در تحلیل‌های ژئوپلیتیک محسوب می‌شود که گستره تفکرها را مشخص می‌کند. در حقیقت مقیاس از نظر ژئوتروریسم الگوی انتخابی کشورها برای تأمین امنیت جهانی است.

مؤلفه‌های جغرافیایی مؤثر بر تروریسم

در رابطه با مکان‌های جغرافیایی، دو خصوصیت عمده را می‌توان برای تروریسم جهانی برشمرد؛ عملیات تروریستی در قرن بیست و یکم نمایان‌گر این واقعیت است که تروریسم در حال حاضر از مقیاس محلی، ملی و منطقه‌ای فراتر رفته و در مقیاس جهانی عمل می‌کند (فلمینگ، 1380: 39).

الف) موقعیت جغرافیایی

مکان‌های جغرافیایی نسبت به میزان توسعه و پیشرفت خود، آسیب‌پذیرتر هستند. این موضوع نه به این خاطر است که آنها توانایی کمتری در مقابله با تروریسم دارند، بلکه به این لحاظ است که از نقاط آسیب‌پذیرتر، ارزشمندتر و پراهمیت بیشتری برخوردارند که می‌توانند به عنوان هدف، از سوی تروریست‌ها انتخاب شوند بر این اساس کشورهایی که در معرض حملات تروریستی و به خصوص تروریسم جهانی بیشتری قرار می‌گیرند، اغلب کشورهای دموکراتیک و پسا صنعتی با تراکم رسانه‌ای بالا هستند که از لحاظ جغرافیایی، خود را کشورهای شمال می‌نامند (افضلی و همکاران، 1390: 116).

ب) حفره‌های جغرافیایی دولت

مناطقى که به هر دلیل از نظارت دولت‌ها بر آنها کاسته شود، می‌توانند یکی از عوامل بسیار مهم در گسترش ترور و خشونت باشد. در این رابطه حفره‌های دولت به نواحی‌ای گفته می‌شود که نظارت‌های معمول در آنجا اعمال نمی‌شود و با گسترش صنعت مواد مخدر و فرهنگ همراه آن، این حفره‌ها در حال بزرگ‌تر شدن هستند، به طوری که شاهد مناطقی مانند مناطق ممنوعه و مناطق ملال‌آور هستیم (مویر، 203: 1379).

پیشینه تحقیق

ایزدی و دبیری (1392)، در تحقیقی با عنوان «ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران» بیان می‌کنند که جغرافیای تروریسم به بررسی تأثیراتی که جغرافیا بر شکل‌دهی پدیده تروریسم در سطح فضاهاى جغرافیایی دارد، می‌پردازد. در ایران نیز ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور به خصوص در مناطق مرزی و حاشیه‌ای تأثیر زیادی در شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی داشته است. این تأثیر در جنوب شرقی ایران بسیار حادث‌تر و عینی‌تر است. در واقع پاره‌ای از زمینه‌های جغرافیایی (طبیعی و انسانی) مانند بنیادهای زیستی ضعیف، فاصله زیاد از مرکز سیاسی حکومت، وجود عوارض جغرافیایی وسیع، توسعه نامتوازن منطقه‌ای، تفاوت قومی- مذهبی با حکومت مرکزی، مرزی بودن و ضعف شبکه ارتباطی و... به‌عنوان عوامل درون‌زا و تعدادی از عوامل ژئوپلیتیکی مانند ویژگی‌های حکومت‌های همسایه، قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و

ژئوپلیتیک مواد مخدر به عنوان عوامل برونزا دارای بیشترین میزان اثرگذاری در شکل گیری گروهک های تروریستی در جنوب شرقی کشور است.

کریمی پور (1371) در تحقیقی با عنوان «تحلیل ژئوپلیتیکی نواحی سیستان و بلوچستان» در دانشگاه تربیت مدرس به مطالعه نواحی بحرانی به لحاظ نظری و مطالعه نواحی بلوچ نشین جنوب شرق ایران پرداخته است. تحلیل ژئوپلیتیک تحقیق مذکور بر مبنای میزان واگرایی و همگرایی این منطقه قرار گرفته است؛ بنابراین در این پژوهش به بسیاری از مشکلات امنیتی و انتظامی این استان در کنار فرصت های موجود در این استان نیز، اشاره شده است.

همچنین قالیباف (1375) در تحقیقی با عنوان «بررسی و نقش عناصر جغرافیایی در امنیت سیستان و بلوچستان» در دانشگاه تهران، عناصر جغرافیایی که در امنیت سیستان و بلوچستان نقش دارند را مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است.

عندلیب (1380) در تحقیقی با عنوان «نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی آمایش مناطق مرزی ایران پرداخته است. وی تهدیدهای امنیتی - مرزی مناطق مرزی کشور را قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد تحلیل قرار داده است و تأکید کرده است که یکی از مناطق مرزی مهم و حساس خاورمیانه به لحاظ چالش های امنیتی و انتظامی برای کشور مربوطه، مرزهای شرقی ایران به ویژه مرزهای استان سیستان و بلوچستان است.

فرضیه ها

- به نظر می رسد عوامل سیاسی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است.
- به نظر می رسد عوامل اقتصادی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است.
- به نظر می رسد عوامل جغرافیایی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است.

- به نظر می‌رسد عوامل فرهنگی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است.

روش‌شناسی تحقیق

بر این اساس پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و روش انجام آن نیز توصیفی تحلیلی است. از نظر نوع و روش گردآوری داده‌ها تلفیقی از مطالعات اسنادی و مطالعات پیمایشی و از نظر مدت زمان انجام تحقیق، پژوهش حاضر جزو مطالعات مقطعی محسوب می‌شود که در آن داده‌های مورد نیاز در یک بازه زمانی محدود گردآوری و تحلیل شده‌اند.

در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌های مورد نظر از روش‌های میدانی و پیمایشی استفاده شده است. ابزار اصلی مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات از طریق روش میدانی، پرسش‌نامه است که متناسب با اهداف و فرضیه‌های تحقیق، تدوین شده و پس از تست اولیه، اجرای پیش‌آزمون، انجام اصلاحات بر اساس نظرات اساتید و کارشناسان و در نتیجه دستیابی به روایی مفهوم روایی² به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. جامعه آماری این مطالعه 178 نفر است که براساس فرمول کوکران حجم نمونه آن تعداد 85 انتخاب شد.

یافته‌های تحقیق

فرضیه شماره یک: برای بررسی عوامل سیاسی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور از آزمون تی تک نمونه‌ای بهره گرفته شده است.

جدول شماره (1): نتایج آزمون T تک نمونه‌ای تأثیر عوامل سیاسی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور

متغیرهای مورد بررسی	تعداد پاسخ‌گو	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
پلیس	46	11/89	2/90	0/29	-4/08	384	0/0001
اعضاء هیئت علمی	39	13/55	3/68	0/21			

با توجه به آزمون فوق، چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون تی برابر با 0/0001 است و این مقدار سطح معناداری 0/05 کوچک‌تر است، پس فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که عوامل سیاسی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور تأثیر دارد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که اعضای هیئت علمی میانگین بیشتری به نگرش عوامل سیاسی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور دارند.

فرضیه شماره دو

به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است.

جدول شماره (2): نتایج آزمون T تک نمونه‌ای تأثیر عوامل اقتصادی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور

متغیرهای مورد بررسی	تعداد پاسخ‌گو	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
پلیس	46	12/54	3/67	0/36	-4/80	384	0/002
اعضاء هیئت علمی	39	14/74	4/04	0/23			

با توجه به آزمون فوق، چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون تی برابر با 0/002 است و این مقدار سطح معناداری 0/05 کوچک‌تر است، پس فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که عوامل اقتصادی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور تأثیر دارد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که

اعضای هیئت علمی میانگین بیشتری به نگرش عوامل اقتصادی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور دارند.

فرضیه شماره سه

به نظر می‌رسد عوامل جغرافیای در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است.

جدول شماره (3): نتایج آزمون T تک نمونه‌ای تأثیر عوامل جغرافیایی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور

متغیرهای مورد بررسی	تعداد پاسخ‌گو	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
پلیس	46	23/93	4/09	0/60	-2/215	384	0/0001
اعضاء هیئت علمی	39	28/73	3/27	0/36			

با توجه به آزمون فوق، چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون تی برابر با 0/0001 است و این مقدار سطح معناداری 0/05 کوچک‌تر است، پس فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که عوامل جغرافیایی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور تأثیر دارد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که اعضای هیئت علمی میانگین بیشتری به نگرش عوامل جغرافیایی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور دارند.

فرضیه شماره چهار

به نظر می‌رسد عوامل فرهنگی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است.

جدول شماره (4): نتایج آزمون T تک نمونه‌ای تأثیر عوامل فرهنگی در ایجاد ناامنی و گسترش

متغیرهای مورد بررسی	تعداد پاسخ‌گو	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
پلیس	46	17/84	6/02	0/53	-6/70	384	0/027
اعضاء هیئت علمی	39	15/63	6/17	0/61			

برای آزمون این فرضیه از آزمون تی استفاده شد. با استناد به مقدار آزمون تی 6/70- و سطح معناداری 0/027 و با توجه به کوچک بودن آن از سطح معناداری از 0/05 کوچک تر است، پس فرضیه فوق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که عوامل فرهنگی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت های تروریستی در مرزهای شرقی کشور تأثیر دارد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می دهد که پلیس میانگین بیشتری به نگرش عوامل فرهنگی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت های تروریستی در مرزهای شرقی کشور دارند. به منظور الویت بندی عوامل اصلی تأثیرگذار بر ناامنی و فعالیت های تروریستی در جنوب شرق کشور، از آزمون فریدمن استفاده شد. مقدار مربع کا به دست آمده 26/063 با سطح معنی داری 0/000 است. جدول شماره پنج رتبه بندی مؤلفه ها را بر اساس میانگین رتبه های آزمون فریدمن ارائه می کند.

جدول شماره (5): آزمون فریدمن در مورد رتبه عوامل

الویت	مؤلفه ها	میانگین رتبه
1	عوامل جغرافیایی	2/47
2	عوامل اقتصادی	1/98
3	عوامل فرهنگی	1/55
4	عوامل سیاسی	1/48

بر اساس جدول فوق، «عوامل جغرافیایی» با میانگین (2/47) بیشترین تأثیر و «عوامل سیاسی» با میانگین (1/48) کمترین تأثیر را بر ناامنی و فعالیت های تروریستی بر جنوب شرق کشور می گذارد.

نتیجه گیری

در فرضیه اول تحقیق، عوامل سیاسی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است، این فرضیه بعد از آزمون تی مورد تأیید قرار گرفته است. در این فرضیه از 5 گویه استفاده کرده ایم که میانگین این گویه ها از دیدگاه پلیس 11/89 و از دیدگاه اعضاء هیت علمی دانشگاه 13/55 است و سطح معناداری 0/0001 به دست آمد و در سطح اعضاء هیت علمی این میانگین بیشتر است. در فرضیه دوم عوامل اقتصادی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است. برای سنجش عوامل اقتصادی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت های تروریستی در

مرزهای شرقی چهار گوپه برای پاسخگویی انتخاب شد که در میان گوپه‌ها، توسعه نامتوازن و ضعف اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان از بیشترین میانگین برخوردار بوده است؛ به طوری که اگر توسعه اقتصادی، کاهش فقر و افزایش سرمایه‌گذاری زیربنایی بیشتر باشد، ناامنی کمتر است. میانگین نقش عوامل اقتصادی از نظر اعضاء هیأت علمی، 14/74 و از نظر پلیس 12/54 است. در فرضیه سوم به نظر می‌رسد عوامل جغرافیایی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است و این فرضیه بعد از آزمون تی مورد تأیید قرار گرفت. در این فرضیه ما از شش گوپه، وجود مرز طولانی با (پاکستان و افغانستان و سواحل دریای عمان)، موقعیت جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان، انزوای جغرافیایی، توپوگرافی، وضعیت نامناسب بنیادهای زیستی در استان و کم بودن ارتباطات ساکنان استان سیستان و بلوچستان با دیگر نقاط کشور استفاده کرده‌ایم که در این بین انزوای جغرافیایی استان دارای بیشترین میانگین برخوردار است. میانگین نقش عوامل جغرافیایی از دیدگاه اعضاء هیئت علمی 28/73 و از نظر پلیس 23/93 است و سطح معناداری آن 0/0001 به دست آمد و با توجه به مجموع میانگین 26/33 این عامل نسبت به عوامل دیگر از بیشترین تأثیر برخوردار بوده است. فرضیه چهارم، به نظر می‌رسد عوامل فرهنگی در ایجاد ناامنی و گسترش فعالیت‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور مؤثر است و این فرضیه بعد از آزمون تی مورد تأیید قرار گرفت. در این فرضیه ما از چهار گوپه (بنیادهای فرهنگی متفاوت، وجود محرومیت فکری و فرهنگی در استان، پایین بود سطح تحصیلات در استان، تسلط بافت اجتماعی و تسلط نظام عشیره‌ای و ایل‌گرایی در استان) استفاده کرده‌ایم. که در این بین تسلط بافت اجتماعی و تسلط نظام عشیره‌ای استان دارای بیشترین میانگین برخوردار است. میانگین نقش عوامل فرهنگی از دیدگاه اعضاء هیأت علمی 15/63 و از نظر پلیس 17/84 است و سطح معناداری آن 0/027 به دست آمد.

پیشنهادها

- تلاش مسئولان محلی، استانی و ملی برای توسعه همه جانبه استان سیستان و بلوچستان به ویژه مناطق مرزی به منظور کاهش فاصله توسعه یافتگی این استان نسبت به دیگر مناطق کشور و کاهش بیکاری و افزایش اشتغال.
- استفاده از فرصت‌های جغرافیایی و موقعیت منحصر به فرد استان سیستان و بلوچستان به ویژه سواحل مکران (دریای عمان) و اجرایی کردن محور توسعه شرق تا در سایه آن ضمن درآمدهای کلان اقتصادی در سطح ملی با توسعه این استان بسترهای اقتصادی سوء استفاده گروهک‌های تروریستی از بین برود.
- توسعه شبکه ارتباطی استان سیستان و بلوچستان برای تقویت ارتباط‌های مردم این استان با مرکز کشور و دیگر مناطق کشور در راستای تقویت انسجام ملی.
- مشارکت دادن بیشتر بلوچ‌ها در پست‌های محلی و استانی به منظور رفع حس محرومیت و تقویت بسترهای امنیت در این استان.
- افزایش استخدام نیروهای نظامی محلی. با این کار ضمن تقویت وجه مردمی ناجا و دیگر نیروهای نظامی کشور می‌توان از تخصص و آگاهی‌های نیروهای محلی در مبارزه کارا تر در برابر گروهک‌های تروریستی بهره گرفت.
- تدوین برنامه‌های جامع و پویا و نیز تدوین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های علمی و عملیاتی با در نظر گرفتن کلیه ویژگی‌های فرهنگی حاکم بر استان سیستان و بلوچستان برای تقویت قدرت نرم و سخت ناجا و دیگر نیروهای نظامی و اطلاعاتی کشور برای مقابله با گروهک‌های تروریستی می‌تواند نقشی کلیدی در خشکاندن ریشه تروریسم در جنوب شرقی کشور ایفاء کند.
- فراهم کردن ابزار مناسب برای مبارزه با گروهک‌های تروریستی. این ابزار باید شامل ابزار نرم و سخت باشد. در این راستا باید ضمن تجهیز سخت‌افزاری نیروهای نظامی، آنها را با ابزار نرم از قبیل شناخت ویژگی‌های جمعیتی و فرهنگی بلوچ‌ها تجهیز کنیم.

- احمدی، حمید (1378). قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه یا واقعیت؟ تهران: نشر نی.
- افضل‌ی، رسول؛ انصاری‌زاده، سلمان؛ پویان، داوود (1390). ژئوتروریسم: رویکردی جغرافیایی به تروریسم. مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره 1، صص 105-123.
- ایزدی، حسن؛ دبیری، علی‌اکبر (1392). ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره اول، صص 91-126.
- بزرگمهری، مجید (1385). موضع‌گیری سازمان کنفرانس اسلامی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی (ترجمه). ماهنامه زمانه، سال پنجم، شماره 51.
- بوزان، باری (1378). مردم، دولت‌ها و هراس. پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران.
- بیگ‌محمدی، حسن (1383). مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- سیمبر، رضا (1384). بررسی نگرش‌های متفاوت درباره حملات تروریستی علیه غرب. فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره 2.
- سیمبر، رضا (1388). تروریسم در نظام بین‌الملل. رشت: انتشارات دانشگاه آزاد واحد اسلامی رشت.
- سیف‌زاده، س.ح (1376). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل (مبانی و قالب‌های فکری). تهران: انتشارات سمت.
- شکویی، حسین (1382). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول). تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- عامری، هوشنگ (1370). اصول و روابط بین‌الملل. تهران: نشر آگاه.
- عبدالله‌خانی، علی (1386). تروریسم‌شناسی. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
- غالی، پتروس (1382). ترجمه زمانی، سید رحیم؛ در: طیب؛ علیرضا؛ سازمان ملل متحد و اقدام‌های جامعه حقوقی برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی. تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، تهران: نشر نی.
- فلمینگ، و (1385). سایر تروریسم: پندارها و واقعیت‌ها. ترجمه: ا. بقایی، تهران: نشر نی.
- قالیباف، محمدباقر (1375). بررسی نقش عناصر جغرافیایی در امنیت سیستم بلوچستان. پایان‌نامه کارشناسی جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران.

- رایش، و (1381). ریشه‌های تروریسم. ترجمه سید حسین محمدی نجم، چاپ اول، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ.
- روشندل، جلیل (1385). امنیت ملی و نظام بین‌المللی. تهران: سمت.
- کاویانی راد، مراد (1389). ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی. پژوهشکده مطالعه‌های راهبردی. تهران.
- کاظمی، علی اصغر (1370). زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل. تهران: قومس.
- کریمی‌پور، یدالله؛ محمدی، حمیدرضا (1389). ژئوپلیتیک، ناحیه‌گرایی و تقسیم‌های کشوری ایران (ویرایش سوم همراه با اضافات). تهران: دانش‌پویان جوان.
- کریمی‌پور، یدالله (1371). تحلیل ژئوپلیتیکی نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان. پایان‌نامه دکتری، استاد راهنما: دکتر دره میرحیدر، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- طیب، علیرضا (1382). تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق. تهران: نشر نی.
- ماندل، رابرت (1377). چهره متغیر امنیت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مویر، ریچارد (1379). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه میر حیدر، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- Bozorgmehri, Majid (2008). United Nation Definition Of Terrorism and A Look at Various Views of Authorities and Documentation on Terrorism, Quarterly Journal of Political Studies, Vol.1, No2, Islamic Azad University Azadshahr Branch.
- Tucker D. (1997). Skirmished at the edge of empire: the united and international terrorism, Praeger.